

سمینار

با سلام فعالیتهای علمی خارج از دانشکده خود را در جهت استحضار و در صورت لزوم درج در مجله به شرح ذیل اعلام می‌دارد.

۱- شرکت در کنگره بین‌المللی تاریخ طب در اسلام و ایران (تهران- دانشگاه تهران ۱۱-۱۴ مهرماه ۱۳۷۱) و سخنرانی تحت‌عنوان «عضدالدوله دیلمی و بیمارستان عضدی بغداد». و نیز ترجمه کتاب «تاریخ بیمارستان‌ها در اسلام، تألیف دکتر احمد عیسی که به‌مناسبت همین کنگره توسط مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران در شهریورماه ۷۱ انتشار یافته است.

۲- شرکت در نخستین کنگره بین‌المللی همکاریهای علمی فرهنگی آسیای میانه (تهران. هتل آزادی ۲۲-۲۷ آبان ۱۳۷۱) و سخنرانی تحت عنوان «سهم دیرینه مرو در شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی». خلاصه مقالات به پیوست تقدیم میگردد.

با تشکر نورالله کسائی گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی

کنگره بین‌المللی تاریخ پزشکی در اسلام و ایران

عضدالدوله دیلمی و بیمارستان عضدی بغداد

دکتر نورا... کسائی

گروه تاریخ تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی

از سال ۱۴۸ ه.ق که منصور عباسی (۱۴۸، ۱۳۶ ه.ق) جرجیس بن جبرائیل بن یخیشوع رئیس پزشکان جندی‌شاپور را برای درمان سوء هاضمه خود به بغداد پایتخت نو بنیاد خلافت فراخواند درمان کارساز او که پزشکان آن روزگار بغداد از انجامش ناتوان مانده بودند، نقطه آغازینی شد برای حضور تدریجی، اما فعال پزشکان جندی‌شاپور در بغداد و تصدی امور درمانی این شهر و خلیفگان و امیران آنان و نیز تأسیس مراکز درمانی با همان واژه فارسی بیمارستان که از آن هنگام تا اوائل سده نوزدهم میلادی که نخستین بیمارستان در مصر با عنوان مستشفی از سوی ابوزعبل نامی باشیده و سازمان جدیدی بنیاد یافت در قلمرو اسلام و زبان عربی نامی مستعمل و دیر آشنا بود.

مدرسه طبسی و بیمارستان جندی‌شاپور در خوزستان ایران که از روزگاری دراز در پیش از اسلام تا تأسیس خلافت عباسی (۱۳۲ ه.ق) همچنان به حیات علمی خود ادامه داده بود، شهرت و عظمت دیرینه خود را به عنوان نهادی آموزشی و درمانی محفوظ نگاهداشته و از جمله مراکز آموزشی عالی جهانی بود که طی چند از اعراب دوره جاهلی و همزمان با ظهور اسلام نیز چون حارث بن کلهه ثقفی و پسرش زکربن حارث در آن پزشکی آموخته بودند و توجه پیامبر اسلام (ص) و خلفای راشدین به شیوه‌های درمانی این پزشکان عرب دانش آموخته جندی‌شاپور در واقع تأیید و تضمینی بود برای اخذ واقتباس نومسلمان عرب از مایه‌های علمی اقوام و ملل بیگانه و زدودن شائبه تفاوت‌های دینی و ملی و نژادی در زمینه دانش‌اندوزی.

از نیمه سده دوم هجری تا سال ۳۷۱ ه.ق که عضدالدوله دیلمی (۳۷۲، ۳۶۷ ه.ق) بیمارستان بزرگ عضدی بغداد را بنام خویش بنیاد نهاد توجه خاص خلفا و حکمرانان و عامه مردم به شیوه‌های درمانی پزشکان جندی‌شاپور و حمایت‌های بیدریغ مادی و معنوی از ایشان تأسیس بیش از ده بیمارستان در مراکز خلافت و آموزش و پرورش پزشکانی نامدار در جهان اسلام را در پی داشت (ابن ندیم ۵۳۰، ۵۲۵ و ابن ابی اصیبعه ۲، ۲۴۰، ۱۷۸).

ابوشجاع عضالدوله دیلمی (۳۳۸ هـ، ۱۴۹ م، ۳۷۲ هـ، ۱۸۳ م) بزرگترین فرمانروای دودمان بویه در ایران و عراق که از سال ۳۶۷ هـ و ۹۷۷ م زمام کلی امور دارالخلافه عباسی را در دست گرفت از جمله حکمرانان ایرانی است که قاطبه تاریخ نگاریان و تذکره نویسان به مراتب دانش دوستی و ادب پروری و حمایت های چشمگیر او از دانشمندان اشاره کرده اند. وی در کنار غربی دجله در بغداد بیمارستانی بزرگ ساخت و ۲۴ تن از پزشکان زبده و متخصص آن زمان را برای درمان بیماران و آموزش های نظری و علمی در آن به کار گمارد. این بیمارستان که در سال ۳۷۱ هـ. گشایش یافت به گفته ابن خلکان در نوع خود در دنیا بی مانند بوده است. گزارش گشایش بخش های تخصصی و استخدام متخصصان در رشته های مختلف پزشکی ابداع شیوه های درمانی نقد روایت مورخان در استفاده از وجود ابوبکر محمد بن زکریای رازی در گذشته حدود ۳۱۳ هـ.ق در انتخاب جایگاه بنای بیمارستان در سالها پیش از بنای بیمارستان عضدی که به اشتباه به این دوره نسبت داده اند. مشخصات ساختمان بیمارستان و پشتوانه های ملی موقوفات آن گزارش جهانگردانی چون بنیامین تطیلی در سال ۵۵۶ هـ.ق و ۱۱۶۰ م و ابن جبر اندلسی در ۵۸۰ هـ.ق و ابن بطوطه در ۷۲۸ هـ. که از دیواره های مخروبه این بیمارستان یاد کرده و سرگذشت تاریخی این بیمارستان و پزشکان و سرپرستان و داروسازان و نیز تحقیق در شیوه های درمانی و تدریس علوم پزشکی و ابزارآلات موجود در آن و آزمون پزشکان و داروسازان از جمله مطالبی است که در باب این بزرگترین بیمارستان شرق اسلام که نزدیک به چهارصدسال فعالیت علمی و آموزشی و درمانی داشته با توجه به ضیق وقت به صورت فشرده و با استفاده از حدود ۳۰ مأخذ کهن که از آن سخن خواهد رفت.

تاریخ بیمارستانها در اسلام

کتاب تاریخ بیمارستانها در اسلام به بررسی و بازگویی تاریخ بنیاد بیمارستانها و نهادهای آموزشی درمانی در روزگار اسلامی می‌پردازد. همچنین این کتاب به شرح کارنامه پزشکان در جهان اسلام نیز می‌پردازد.

تاریخ بیمارستانها در اسلام ترجمه کتابی است به همین عنوان که نخستین بار به کوشش پزشک دانشمند مصری دکتر احمد عیسی بک به زبان عربی نگارش و در سال ۱۳۵۷ ق (۱۹۳۹ م) در دمشق انتشار یافته است. مترجم در مقدمه کتاب می‌نویسد:

«ترجمه فارسی این کتاب به پیشنهاد و پامردی دبیرخانه کنگره جهانی تاریخ طب که برپایی آن با دوازدهمین قرن درگذشت پزشک نامی ایران محمد بن زکریا رازی تقارن دارد صورت گرفته...»

مترجم به همین مناسبت از دبیرخانه کنگره قدردانی کرده است.

سهم دیرینه مرو در شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی

«از آغاز تا اوایل سده هفتم هجری»

دکتر نورا... کسایی

مرو شهر سالخورده خراسان بزرگ که بنیادش بهروزگار طهمورث پادشاه پیشدادی ایران و تاریخ درخشانش تا ژرفنای عهد باستان پیوند یافته از معدود شهرها در شرق قلمرو اسلام است که در تجدید حیات فرهنگ ملی ایران و زبان پارسی در آسیای میانه و شکوفایی و رشد عصر زرین تمدن والای اسلامی نقش بسزا و بی‌مانند داشته است. این شهر در گذرگاه گسترده و پرفراز و نشیب تاریخ خود، کام‌ها و ناکامی‌های بسیار دیده، در سلطه اسکندر مقدونی بر قلمرو ایران هخامنشی از مایه‌های تمدن و تعالیم یونان کهن بهره‌گرفت و به دست ذوالقرنین از نو آبادان شد.

در عصر ساسانی مهد پرورش نام‌آورانی چون برزویه پزشک و بزرگمهر حکیم و باربد خنیاگر بود، با کشته شدن یزدگرد سوم آخرین پادشاه آواره دودمان ساسان در یکی از آسیاهای این آخرین دژ دفاعی ایران بود که به دست سپاه اسلام افتاد و طومار امپراطوری دیرپای ساسانی به بایگانی تاریخ رفت. مرو در پایان سده اول و آغاز سده دوم هجری نخستین هسته مقاومت در برابر حکومت خودکامه اعراب اموری را با قیام ابو مسلم خراسانی در خود پرورد و خلافت عباسی را که دست کم صد ساله اول آن به حکومت پارسیان شهرت یافت، جایگزین حکومت نژادگری آل مروان بر قلمرو اسلام کرد. در عهد هارون الرشید جایگاه حکومت فرزند او مأمون در شرق اسلام شد. او که با پایمردی سپاه خراسان، به جای برادرش امین برمسند خلافت دست یافت تنها خلیفه از آل عباس بود که با تعلیم و آموزش در محضر دانشمندان و رجال علمی سیاسی مرو سنخیت علمی یافت و دانشمندی را که از بلاد خراسان خاصه مرو با خود به دارالخلافه نوپای عباسی برد ترجمه علوم بیگانه و تألیف آثار علمی به زبان عربی رونق علمی بغداد و درخشش عصر زرین فرهنگ و تمدن اسلامی را موجب گردیدند.

مرو از آن تاریخ به بعد دانشمندانی بزرگ و جامع‌الاطراف و صاحب‌آثار بدیع و پرمایه علمی به جامعه اسلامی بشری ارمغان داد.

در عصر آزادی اندیشه و خردگرایی ساسانیان، مرو جایگاه امنی برای رواج بازار دانش و معرفت و تجارت و زراعت شد. در دوره با اقتدار ترکمانان سلجوقی که زمام امور دولت ایشان غالباً به دست رجال علمی و سیاسی خراسان بود، مرو نخستین دارالملک سلاطین این سلسله شد و شکوه و جلالی بیمانند یافت.

بایورش ترکمانان غز در اواخر سلطنت سنجر، به گفته راوندی مرو هرچه در زیر و زیر زمین داشت از دست داد اما به فاصله نیم قرن از بروز این حوادث خونبار تا ایلغار بنیان تاتار که شهر مرو ویران شد و شهروندانش به تیغ جفا جان دادند، مرو چنان عظمتی یافته بود که یاقوت حموی جغرافیدان نامی اسلام که چند سالی از خرمن نهاده‌های علمی و کتابخانه‌های نفیس آن خوشه‌ها چیده بود از آن به عنوان پررونق‌ترین مراکز دنیا یاد کرده و از شیوه کتابداری در کتابخانه‌های آن به گونه‌ای خبر داده که با روش کتابداری در کتابخانه‌های معتبر جهان معاصر همگونی دارد. وی یکسال پیش از حمله مغول از ۶۱۶ ه. با آه و اندوه متواری‌گونه این شهر را ترک کرده و از خاطرات شیرین خود در آثار جاویدانش سخن گفته.

ابن خلدون مغربی رخت بر بستن دانش و معرفت از تمدن بشری و جهان اسلام را بازتاب این ویرانگری‌ها و کشتارهای جمعی در بلاد شرقی ایران دانسته که آسیب‌پذیرترین نقاط آن شهرهای آباد خراسان از جمله همین مرو بوده است.

با این همه قامت خمیده مرو از نو قد برافراشت و هرچند دیگر نتوانست بر آن گذشته ریبار و با افتخار دست یازد، باز هم از بیخ این درخت کهنسال شاخه‌هایی نو جوانه زد تا سرانجام در نیمه دوم سده سیزدهم هجری و سده نوزدهم میلادی سپاه اشغالگر تزاران روس، مرو را از مام میهنی که بدان دل بسته بود ربود و چندان نپائید که این شهر در شمار گسترده‌ترین سرزمین‌های جهان در کام کمونیزم فرورفت و در هفت دهه‌ای که می‌رفت تا چون دیگر شهرهای اشغال شده خراسان و ماوراءالنهر با بسیاری از میراث و افتخارات تاریخی خویش وداع گوید، دیواره‌های این درخت اختناق و استعمار یکباره فروریخت و بار دیگر بارقه امید در دیده مردم ستمدیده این

شهر همیشه جاوید جهان درخشیدن گرفت تا برای پیوندهای ملی دینی و ربانی دیرینه خود با ایران و اسلام طرحی نو دراندازند و اینک ما برآنیم که در این اندک زمان و در جمع شما فرزندان زنگارهای زمان سوز و گداز را از چهره چروکیده این سامان بزدایم و تلاش مشترک و مشارکتهای بسیار علمی و فرهنگی و دینی و اقتصادی دوره درخشان این پایگاه با استعداد دانش و معرفت را دوباره از قوه به فعل آریم.

ما برای پیشبرد اهداف و آرمانهای مقدسی که در پیش داریم از تاریخ مدد بگیریم، هرچند که سخن گفتن از مرو کاری است سخت. اما سخن از تاریخ و تمدن با امید که این گفتار و دیگر گفته‌ها گره‌گشای چاره‌اندیشان باشد برای بازیابی آنچه که رویدادهای روزگار بسیارش را برباد داده است. «والسلام».

اینک که ما رویدادهای روزگار بسیارش را برباد داده است. «والسلام».

در این مقاله، به بررسی و تحلیل وضعیت کنونی و آینده‌نگاری در زمینه‌های مختلف پرداخته شده است. در ابتدا، به بررسی وضعیت کنونی و چالش‌های موجود پرداخته شد. سپس، به تحلیل علل و عوامل مؤثر در این وضعیت پرداخته شد. در ادامه، به ارائه راهکارها و پیشنهادات برای بهبود وضعیت پرداخته شد. در نهایت، به نتیجه‌گیری و جمع‌بندی مطالب پرداخته شد.

رئیس دانشکده

گزارش علمی دانشکده